

واکاوی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بازآرایی بیداری اسلامی

مرتضی اشرفی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، گفتمانی انقلابی و فرهنگی استقلالی، مبتنی بر باورهای اجتماعی و ایستارهای ارزشی به ارمغان آورد. یکی از مؤلفه‌های این گفتمان، احیای نقش جریان‌های فکری و جنبش‌های دینی-سیاسی در جهان بود که موازنه قدرت را به نفع جبهه‌های ثالث در نظام بین‌المللی تغییر داد. این جبهه بر آرمان‌های عدالت اجتماعی و نفی سلطه قدرت‌های خارجی تأکید می‌کند. بیداری اسلامی نیز واقعیتی تردیدناپذیر است که امواج آن در حال گسترش است. این نوشتار، به دنبال پاسخ به این پرسش است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری در بازآرایی بیداری اسلامی داشته است؟ با بررسی و واکاوی بنیان‌های اندیشه‌ای و عملی انقلاب اسلامی و اصول اساسی حاکم بر سیاست خارجی کشور، این فرضیه مطرح شده که تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی در کشورهای عربی و مسلمانان، اگرچه در آغاز به طور آشکار و زودبازده به آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری بر سایر ملت‌های مسلمان نایل نیامد، ولی با گذشت زمان و رسیدن به وضعیتی که در بسیاری از کشورهای اسلامی به تناسب ویژگی‌های هر کشور ایجاد شد و شرط لازم انقلاب‌های اسلامی را تأمین نمود، توانست بر روح و کالبد این جوامع تأثیر بگذارد. پس از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی ایران، این شرایط هم‌اکنون در حال کامل شدن است.

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی، ملت‌های مسلمان، نظام بین‌المللی،

جنبش‌های دینی.



^۱ دکتری علوم سیاسی، پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.

بیداری اسلامی نوعی باور تعمیم‌یافته است که تقریباً تمام جوامع و گروه‌ها و آحاد مسلمان را دربرمی‌گیرد. این بیداری به این دلیل «اسلامی» نامیده می‌شود که خاستگاه آن و عوامل مؤثر بر این باور تعمیم‌یافته، در جهان اسلام رخ داده، نه آنکه هرچه موجد این بیداری است، اسلامی باشد. بیداری اسلامی اعتقادی مشترک میان مسلمانان است و مؤلفه‌هایی مانند اعتقاد به ضرورت بازگشت به قرآن و سنت که مبانی دینی برای زندگی در عصر جدیدند، اعتقاد به ضرورت تلاش برای بازیابی هویت ملی، دینی و فرهنگی از دست‌رفته، احساس کوتاهی نسبت به انجام وظایف اسلامی و همچنین اعتقاد به ضرورت بازخوانی و بازفهمی متون دینی را با خود به همراه دارد. (الویری، ۱۳۸۴) انقلاب اسلامی با ایجاد تحول عمیق فکری در عرصه اجتماعی، منشأ مباحث و تأثیرهای گوناگونی در جامعه ایران و عرصه‌های بین‌المللی شد، به‌گونه‌ای که این تأثیرها، نه فقط بر دیروز و امروز، بلکه بر فردای جامعه بشری نیز انکارناپذیر است. بی‌شک، رویارویی با این پدیده - جانبدارانه باشد یا نه - بدون شناخت ماهیت آن ثمری ندارد و بر ابهام نسبت به آن نیز خواهد افزود و کار را بر اندیشه‌های مشتاق تعامل با انقلاب اسلامی دشوارتر از پیش خواهد کرد. (کوشکی، ۱۳۸۷)

انقلاب اسلامی اولین رخداد قرن بیستم بود که بیرون از چهارچوب دوقطبی حاکم بر جهان پدید آمد و آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی نقش و نفوذی در آن نداشتند. این رخداد در سراسر کره خاکی، نهضتی فراگیر برای احیای مجدد مبانی و ارزش‌های اسلامی ایجاد کرد. (علیزاده، ۱۳۹۳)

انقلاب اسلامی در راستای عزتمندی مسلمانان جهان، باعث دگرگونی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی شد. این انقلاب، معادلات سیاسی و موازنه قوا را در مقیاس جهانی به سود ملت‌های اسلامی تغییر داد و اکنون با گذشت چهار دهه از عمر آن، راهبرد تفکر اسلامی به مثابه الگویی نجات‌بخش برای تمام ملت‌های اسلامی و بشریت محسوب می‌شود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی روزه‌های امید، بیداری و بصیرت را در دنیای اسلام به وجود آورد، به‌گونه‌ای که با اقدام ایران مبنی بر محکومیت مذاکرات «کمپ

دیوید» در مصر، گروه‌های اسلامی از جمله اخوان المسلمین میانه‌رو، جماعة الاسلامیه و برخی گروه‌های دیگر، دولت مصر را به پیروی از الگوی ایران و جنگ با رژیم غاصب صهیونیستی فراخواندند و از موضع ایران در عقب‌نشینی رژیم غاصب صهیونیستی از تمامی خاک فلسطین اشغالی استقبال کردند.

به طور کلی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری نهضت بازگشت به خویشتن اسلامی و احیای فکر دینی در مصر را نمی‌توان انکار نمود و باید گفت الهام‌پذیری این گروه‌ها از انقلاب اسلامی منجر به تقویت جریان اسلام‌گرا و شکل‌گیری نهضت اسلامی به ویژه در لبنان، فلسطین، بحرین، عراق، افغانستان، تونس، مصر و لیبی و نیز شکل‌گیری جنبش‌های اسلام‌خواهانه در برابر حکومت‌های دست‌نشانده غربی در منطقه شد (صدرالحسینی، ۱۳۹۱)

۱. ریشه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر مسلمانان

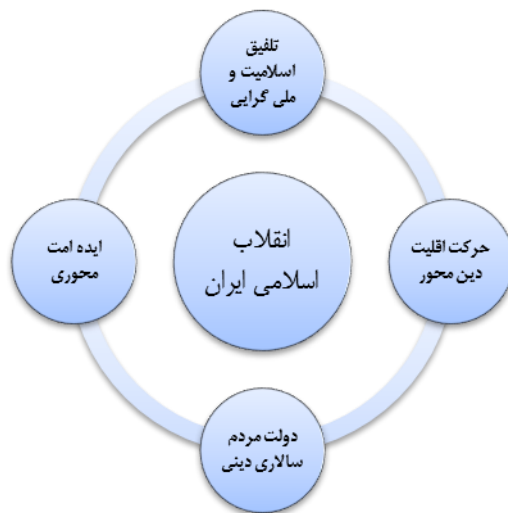
با اینکه دشمنان اسلام با هر حربه و ترفندی درصدد مقاومت در برابر امواج خروشان بیداری اسلامی برآمدند، امواج توفنده بیداری اسلامی به سرعت در حال گسترش و ارزش‌های اسلامی در حال احیا است. هیچ تحولی بدون برنامه و راهکارهای علمی و عملی و نیز بدون تأثیرپذیری از سایر تحولات پیرامون خود به ثمر نمی‌نشیند. بیداری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تشکل‌های خودجوش مردمی شکل گرفت و ارتباط این تشکل‌ها با دیگر نقاط جهان برقرار شد که البته خشم و واکنش تند بسیاری از محافل غربی را برانگیخت، ولی این تشکل‌های مردمی ایرانی بدون توجه به واکنش‌های منفی، به صدور معنوی بیداری اسلامی ادامه دادند تا جایی که مردم دیگر کشورها به آنچه از دست داده بودند، آگاه شدند. نمونه این الگوگیری در انتخاب دو اصل «حجاب» و «حضور در اجتماع» در میان زنان ترکیه به چشم می‌خورد.

امروزه، جریان‌های اسلامی در زمره مهم‌ترین گروه‌های سیاسی جهان قرار دارند و بر این باورند که دین و سیاست با یکدیگر ارتباط داشته، تفکیک ناپذیرند. این باور متأثر از انقلاب اسلامی و نظریه جهان‌گرایی آن یعنی تلفیق دین و سیاست است. حضرت امام



خمینی (ره) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این نظریه را به مثابه عالی‌ترین و گسترده‌ترین مظهر پیوند دین و دولت مطرح ساخت و بر این عقیده بود که اراده مستضعفان، سرانجام به رهبری آنان بر جهان منجر می‌شود. درک همراهی اسلام‌گرایی (دین) و جهان‌گرایی (سیاست) در اندیشه انقلاب اسلامی دشوار نیست؛ زیرا تأسیس امت اسلامی که می‌تواند مسلمانان را صرف نظر از ملیت و اختلاف‌های قومی و سیاسی به هم پیوند دهد، از ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی است. تأکید انقلاب اسلامی بر لزوم پیروی از قرآن کریم و احکام اسلامی نیز تردیدی باقی نمی‌گذارد که این انقلاب در پی تحکیم جهانی اصول بنیادین اسلام در جهان است. پیوند خوردن مذهب و سیاست اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی، دولت آمریکا را بر آن داشت که اسلام‌گرایی را از عوامل نابودی جهان دانسته، انقلاب اسلامی را خطر بزرگی برای منافع خود بداند. در نتیجه تلاش کند تا از دشمنان جنبش‌های اسلامی - سیاسی حمایت نماید.

مهم‌ترین پایه‌های نظام سیاسی انقلاب اسلامی ایران که راهکار اجتهادی عبور از چالش‌های معاصر و تأثیر بر دیگر جنبش‌های اسلامی منطقه به شمار می‌رود به شرح زیر است:





۱/۱. حضرت امام خمینی(ره) در چهارچوب اجتهاد درباره حکومت اسلامی و معاصرسازی آن، دولت مردم‌سالاری دینی را جایگزین دولت خلافت کرد و از این رهگذر به نیازهای حکومتی و جامعه مدنی جدید پاسخ داد و این در حالی است که جنبش‌های اسلامی دیگر در این مقوله حرکت قابل توجهی نداشتند. (رویوران، ۱۳۸۵)

۲/۱. مبنای حرکت بیشتر انقلاب‌های جهان، حرکت اقلیت نخبه پیشرو است و جنبش‌های اسلامی نیز در چنین فضایی حرکت می‌کنند، درحالی‌که امام خمینی(ره) حرکت اقلیت دین‌محور را به سرعت به حرکت فراگیر سیاسی - اجتماعی مبدل ساخت. (رویوران، ۱۳۸۵)

۳/۱. انقلاب اسلامی ایران واقعیت وجود نظام‌های ملی را پذیرفت و این واقعیت را در مسیر نظریه امت‌محوری قرار داد. (رویوران، ۱۳۸۵)

۴/۱. تلفیق جنبش اسلامی در ایران با گرایش‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه، گام بسیار مهمی در دادن وجهه ملی به انقلاب اسلامی بود که ایران را از وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر بین‌المللی خارج ساخت. (رویوران، ۱۳۸۵)

۵/۱. حرکت فرامذهبی انقلاب اسلامی ایران، با وجود برخورداری از هویت مذهبی (شیعی)، الگوی جدیدی در ابعاد رفتاری جنبش‌ها و نظام‌های اسلامی ارایه داد که امت‌محوری را جایگزین مذهب‌محوری قرار داد. (رویوران، ۱۳۸۵)

۳. علل بیداری اسلامی و ظهور جنبش‌های اسلامی

با توجه به ویژگی‌ها و وجود شرایط سخت دوران معاصر، طبیعی است که کشورهای درحال توسعه و یا توسعه نیافته مشکلاتی پیش روی خود ببینند. ازاین‌رو، بیداری نوین اسلامی که پرتوافشانی آن آغاز شده، بزرگ‌ترین حادثه انسانی نیمه دوم قرن بیستم به حساب می‌آید. این بیداری باشکوه از کتاب و سنت و رفتار پیشینیان، برنامه‌ای معین و هدفی عالی تدارک دیده و جالب اینکه یقین دارند راهی که در پیش گرفته‌اند، پر از جمجمه‌هاست، نه سرشار از شکوفه‌ها. (قطب، ۱۳۷۴؛ بیانات رهبری، ۱۳۸۲) اعتراض‌های سیاسی و حوادث منتج

به بیداری اسلامی در کشورهای عربی منطقه آسیای غربی، که از خودسوزی جوانی تونس‌ی آغاز شد و به مصر، لیبی، یمن، بحرین و سوریه سرایت کرد و در برخی کشورهای منطقه موجب تغییر حاکمیت شد، واقعیتی غیر قابل انکار است که بی‌شک دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. چرایی بروز این تحولات را بنا بر نظریات مطرح‌شده باید در قیام علیه تحقیر، حرکت برای دستیابی به مردم‌سالاری، تأثیر توسعه انسانی، استبداد و خودکامگی حکومت‌های پادشاهی و البته مهم‌تر از همه، توجه به اسلام سیاسی و برگشت به جهان‌بینی سیاسی و اجتماعی دین مبین اسلام دانست. (حسینی فائق، ۱۳۹۱) تمامی این علت‌ها در آرمان‌ها و پیام‌های انقلاب اسلامی ایران وجود دارد و این بیداری، مستقیم یا غیر مستقیم، متأثر از انقلاب اسلامی بوده است. در ادامه به برخی از علت‌های بیداری اسلامی و ظهور جنبش‌های اسلامی اشاره می‌شود.

۳/۱. انقلاب اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و دگرگونی اساسی رخ دهد. در ساختار نظام بین‌الملل با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی، ایجاد جبهه‌ای جدید که متکی به غرب و شرق نبود، سبب خیزش دوباره جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل شد، تا جایی که توانستند در عرصه روابط بین‌الملل نقش‌آفرین شوند. در این میان، کشورهای اسلامی نیز با اتکا به هویت تمدنی خود، تأثیر زیادی بر تحولات بین‌الملل گذاشتند. به علاوه، انقلاب اسلامی توانست صحنه‌گردانان جدیدی را در نظام بین‌الملل به منصف ظهور برساند که جنبش‌های آزادی‌بخش و ملت‌ها از آن جمله‌اند. این‌گونه، نقش انقلاب اسلامی با توجه به نوع تعامل میان ملت‌ها، در عرصه روابط بین‌الملل آشکار شده است. (سخاوتی، ۱۳۸۴) تأکید بر قدرتی به نام «قدرت نرم‌افزاری» که برگرفته از اندیشه، فرهنگ و تفکر اسلامی است، این انقلاب را در تأثیرگذاری ساختاری بر نظام بین‌الملل توانا کرد، تا جایی که توانست نظامی فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری ایجاد کند. افزون بر آن، از جنبه کارکردی، انقلاب اسلامی سبب شد که دو قدرت رقیب

شرق و غرب برای مقابله با این خیزش جدید و مستقل، با یکدیگر همکاری کنند. (خرمشاد، ۱۳۹۲) بنابراین انقلاب اسلامی ایران سرآغاز رشد اسلام‌گرایی در دهه‌های اخیر است. به عقیده فرد هالیدی، استاد و کارشناس برجسته مسایل خاور میانه، انقلاب اسلامی ایران، نخستین انقلاب در تاریخ جدید است که ایدئولوژی حاکم، شکل سازمان، اعضای رهبری‌کننده و هدف‌های اعلام‌شده آن، همه در ظاهر و باطن مذهبی است و این وجه مذهبی در کنار رویدادهای همزمان با آن، ناگهان توجه جهان را به اسلام جلب کرد.

۲/۳. شکست ایدئولوژی‌های غیر اسلامی

شکست کمونیسم، نه فقط نابودی وعده‌هایی که برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی و مبارزه با سلطه داده شده بود، تلقی گردید، بلکه با فروپاشی شوروی و تقسیم آن، جمهوری‌های مسلمان‌نشین (آسیای مرکزی و قفقاز) پدید آمدند که در آنها غلبه دینی با اسلام بود. برداشت مسلمانان از علت افول کمونیسم، ویژگی ضد دینی آن بود و اینک مسلمانان می‌خواستند با انجام وظایف اسلامی، هویت خود را اثبات کنند. از سوی دیگر، کشورهای عرب پس از سال‌ها سردادن شعار ناسیونالیسم عربی نتوانستند اسرائیل را از سرزمین‌های اشغالی برانند و در جنگ خلیج فارس، وحدت آنها عملاً از بین رفت. (فراتی، ۱۳۷۸)

انقلاب اسلامی با رویکرد مذهبی خود، خط‌مشی جدیدی در توسعه، استقلال، آزادی و عدالت برای تمامی کشورها و جنبش‌های انقلابی که تا سال ۱۹۷۹ ایستادن روی پای خود را تجربه نکرده بودند و به بلوک غرب یا شرق وابستگی داشتند، ارائه داد. این موضوع برای قدرت‌های آن روز جهان، قابل تحمل نبود. صدور انقلاب، پیوند جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش و حمایت از آنان در مبارزه با سلطه‌جویان و استعمارگران دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم از دیگر دغدغه‌های مستکبران است. در این زمینه، فرد هالیدی، در سمیناری در انگلیس گفت:

انقلاب اسلامی در ایران، جذابیت ایدئولوژیکی بسیار زیادی میان اعراب تا الجزایر و سودان دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. به علاوه، در جمهوری‌های آسیایی شوروی، به‌خصوص



آذربایجان و گرجستان، عراق، افغانستان و پاکستان، با توجه به بافت اجتماعی این کشورها، دین و فرهنگ ایران دارای نفوذ بسیار زیاد است. (باقرزاده، ۱۳۸۹؛ مقتدری، ۱۳۷۳)

۳/۳. بحران هویت در کشورهای مسلمان

انقلاب اسلامی، مهم‌ترین دلیل بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در این روند ایفا کرد. انقلاب اسلامی پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد، انرژی آزادشده آن، نیروی خیزش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی را فراهم کرد، مردم مسلمان منطقه را نسبت به حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و باور شکست‌ناپذیر بودن استبداد و استعمار را باطل نمود. غرب‌زدگی و استحاله باعث بروز بحران هویت و ازخودبیگانگی در کشورهای مسلمان شده بود و این بحران هویت باعث شد جریان‌های فکری این کشورها به بیداری اسلامی روی آورند و رجوع به آیین‌های اصیل اسلامی داشته باشند. (خرمشاد، ۱۳۹۲)

امام خمینی (ره) در یکی از پیام‌های خود به زائران بیت‌الله الحرام، عوامل خارجی و داخلی القای جدایی دین و علما از سیاست را که همان منشأ بحران هویتی در کشورهای مسلمان است، این‌گونه برمی‌شمرند:

همه می‌دانیم و باید بدانیم که آنچه از قرن‌ها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده، خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولت‌های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه شوم آنان، بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر خداداد آنان را به باد فنا داده و به طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسایل سیاسی و اجتماعی اسلام است که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غرب‌زده و شرق‌زده آنان به توده‌های مسلمان محروم تحمیل شده است که حتی غالب علمای اسلام گمان می‌کردند و می‌کنند که اسلام از سیاست، منزّه است و یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حيله‌گر کوشش کردند به دست عمال به اصطلاح روشنفکر خود، اسلام را همچون مسیحیت منحرف [کنند و] به انزوا کشانند و علما را در چهارچوب مسایل عبادی محبوس کنند و ائمه جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، و مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا، و جوانان عزیز را سرگرم عیش و نوش، از صحنه امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد اسلامی خارج نمایند و در این امر

توفیق بسزایی پیدا کردند و از این جهالت و غفلت ما سوءاستفاده نمودند و بلاد مسلمین را یا مستعمره خویش نمودند و یا به استعمار کشیدند و بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین را استخدام نموده و با دست آنان، ملت‌ها را به استضعاف و استعمار کشاندند و وابستگی و فقر و فاقه و پیامدهای آنها گریبان‌گیر توده‌های دربند گردید و اکنون نیز مسلمین به غفلت خود، و عمال استعمار به تبلیغات خود، و ابرقدرت‌ها به سلطه و چپاول خود ادامه می‌دهند و آخوندهای مزدور و درباری به عقب‌نگهداشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می‌زنند و **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. (امام خمینی، ۱۳۷۹)

۴/۳. انحطاط، عقب‌ماندگی و استبداد داخلی

یکی از موانع بزرگ فراروی بیداری اسلامی، حاکمیت‌ها برخی کشورهای اسلامی و استبداد حاکمان آنها است. به فرموده امام خمینی (ره): «مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند». (امام خمینی، ۱۳۸۹) به باور ایشان، دولت‌ها با سرنیزه، ملت‌ها را خاموش نگهداشته‌اند و باید با فریاد و حرکت و ایستادگی، سرنیزه‌ها را شکست. بیشتر حاکمیت‌های کشورهای اسلامی، بر اساس خلافت اسلامی است. در این حکومت‌ها که بر سلطه مستبدانه یک خاندان بر مقدرات مردم استوار است، ظلم، غارتگری و بی‌عدالتی در حق توده‌های میلیونی اعمال می‌شود. حکومت‌های مطلقه‌ای که زمینه عقب‌ماندگی از سایر ملل را برای مردم خود فراهم کرده، موجب شده‌اند ملت ستمدیده نیز در مقابل این دولت‌های در حال احتضار و عقب‌مانده دست به قیام و جنبش بزنند. امام خمینی علیه‌السلام، دوری مسلمانان و دولت‌های اسلامی از اسلام و قرآن را عامل گرفتاری‌هایی می‌داند که در طول تاریخ برای مسلمانان به وجود آمده است. علت این دوری را نیز غفلت، نداشتن درک صحیح از آموزه‌های اسلامی و غرض‌ورزی در اجرای آن می‌شمارد:

اسلام يك دين آسمانی است که برای ارشاد ملت‌ها و رفع اختلاف بین آنان و هدایت به کمالات انسانی و رفع ظلم و بیدادگری آمده است. لکن مسلمین مجموعاً و تقریباً همین‌طور دولت‌های اسلامی از آن سَرّی که اسلام برای آن آمده است، یا غافل بودند، یا تغافل کردند و همه گرفتاری‌هایی که برای مسلمین در طول تاریخ ایجاد شده است، برای همین جهت است که از تعلیمات اسلام دور بودند و نتوانستند آن هدایتی را که اسلام برای آن آمده است، ادراک کنند و یا به واسطه اغراضی که داشتند، نتوانستند انجام دهند. مشکل عمده مسلمین، همان



دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، اگر به همین يك امر و نهی عمل می‌کردند، تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادیشان رفع می‌شد و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله کند. لکن مع الاسف به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه بعضی و تغافل بعضی، از این امر محروم ماندند و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند، باید مسلمین انتظار گرفتاری‌های بیشتر داشته باشند. (امام خمینی، ۱۳۷۹)

بدون شک مردم باید در دفاع از اسلام و آرمان‌ها، محکم‌تر از همیشه با تمام توان در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی استکبار جهانی بایستند؛ چراکه لبه تیز سلاح خیانت و جنایت بازیگران سیاسی و سیاستمداران و دست‌های مرموز پشت پرده، از هر سو بیشتر متوجه نهضت اسلامی است و به خوبی می‌دانند تنها نیرویی که می‌تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است. (سعادت‌مند، ۱۳۸۵)

۴. مبانی انقلاب اسلامی منطبق بر بیداری اسلامی

تجدید حیات اسلام و بیداری مسلمانان در قرون اخیر از طرف رهبران، علما، مصلحان و متفکران دینی جهان اسلام برای حل و رفع عقب‌ماندگی و انحطاط داخلی و نیز برخورد با غرب و هجوم فرهنگ و تمدن و استعمار غربی طرح و دنبال شد. این تفکر به‌ویژه از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تا دوره جنگ جهانی اول، اندیشه غالب بر جریان‌های فکری و سیاسی مسلمانان بود و تأثیر زیادی بر حیات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام گذاشت. در حال حاضر نیز بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران و رشد و گسترش جنبش‌های اسلامی، بعد از دوره فترت؛ یعنی در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۸۰، این تفکر مورد توجه جهان اسلام قرار گرفته است. (عیوضی، ۱۳۷۸)

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی در دوران معاصر و نقطه عطفی در بیداری مسلمانان و حرکت‌ها و جنبش‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان اسلام به شمار می‌رود. این انقلاب با بنیاد نهادن بیداری اسلامی در جهان اسلام، بر ذهنیت‌ها و موقعیت دینی - سیاسی مسلمانان و مشروعیت دولت‌های حاکم تردید وارد کرد

و دوباره نقش دین و مذهب را در جامعه و سیاست مطرح ساخت و نقطه حرکتی برای بیداری اسلامی و سایر جنبش‌های رهایی‌بخش و اسلامی در نقاط مختلف جهان اسلام و حتی سایر ملل جهان شد. (سلیمانی‌زاده، ۱۳۸۷؛ بهشتی، بی‌تا)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، غرب و شرق با آگاهی از ماهیت الهام‌بخش آن برای مسلمانان و سایر ملت‌ها و درک پیامدهای قطعی این تحول موفق بر جهان و به‌ویژه بر جهان اسلام، ضمن انجام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری گسترده برای شکست و محو انقلاب اسلامی در کانون آن و یا جلوگیری از کامیابی آن در تحقق اهداف و ممانعت از دستیابی به توفیقات ملموس و مشخص، در خطی مقابل و موازی با آن، سیاست تحریف، مشوه‌سازی و تخریب وجهه و حقیقت انقلاب اسلامی ایران، برنامه‌ریزی و دنبال شد که هدف نهایی آن، تبدیل اسلام، انقلاب اسلامی و نیروهای اسلامی به نیروهای شر، خطرناک و تهدیدکننده در دید جهانیان بود. (کچویان، ۱۳۸۹) امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۸ در پیامی به جنبش‌های آزادی‌بخش می‌نویسد:

به نهضت ما که نهضت اسلامی و مستضعفین است بیوندید... نهضت ما اسلامی است، قبل از آنکه ایرانی باشد. نهضت مستضعفین سراسر جهان است، قبل از آنکه به منطقه‌ای مختص متعلق باشد.

ایشان در ادامه می‌افزاید:

ما به پیروی از اسلام بزرگ، از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم و از شما و هر سازمانی در جهان که برای نجات کشور خویش به پاخاسته است، پشتیبانی می‌کنیم. ما از مبارزات برادران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به خواست خدای تعالی بر دشمنان بشریت و اسلام پیروز خواهیم شد. (امام خمینی، ۱۳۵۸؛ سلیمانی‌زاده، ۱۳۸۷)

۵. زمینه‌های تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی

یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش بیداری اسلامی این است که نهضت‌های اسلامی باید حمایت و تقویت شوند. بسیاری از صاحب‌نظران در پدیده جنبش‌های اسلامی معاصر معتقدند موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران عامل اصلی این بیداری اسلامی و گسترش آن در



جهان اسلام است. جمهوری اسلامی ایران کوشیده انقلاب اسلامی را نمونه‌ای از حرکت شجاعانه در مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی به دیگر ملت‌های مسلمان و غیر مسلمان معرفی کند تا آنان نیز از حقوق خود و شیوه دستیابی به آن آگاه شوند. (نوازی، ۱۳۸۸)

امام خمینی (ره) از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جهان این‌گونه با صراحت یاد می‌کند که: «نهضت مقدس ایران، نهضتی اسلامی است و از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند». (امام خمینی، ۱۳۸۵). بنابراین خودآگاهی و الهام‌گیری مسلمانان جهان از ایران را نمی‌توان انکار کرد و بسیاری از نظریه‌پردازان غربی نیز به این امر اعتراف کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب معاصر است که بر اساس اجرای فرامین اسلامی، مبارزه با استکبار و صهیونیست جهانی شکل گرفت و تأثیرهای فراوانی در تحولات منطقه‌ای داشت. تحولاتی که با حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در چند سال اخیر به شکل دیگری ظاهر گردید. بنابراین انقلاب اسلامی ایران، اندیشه تلاش برای تحقق برابری و عدالت اجتماعی را در بین مردم جهان تقویت کرد و واکنش مسلمانان در برابر غرب و غرب‌زدگی را افزایش داد. (خرمشاد، ۱۳۹۲)

انقلاب اسلامی ایران یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر اسلامی در جوامع مسلمان بوده که زمینه تأثیرگذاری بر جنبش‌های سیاسی - اسلامی حاضر را فراهم می‌آورد. (جمشیدی، ۱۳۷۴؛ رجبی، ۱۳۸۹)

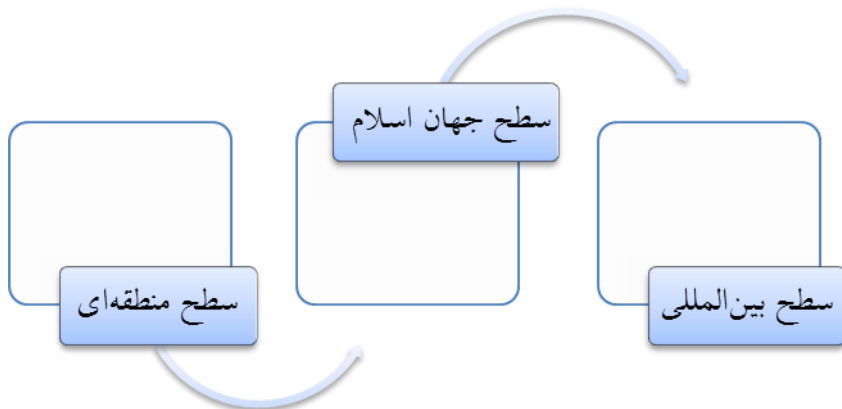
تحولات داخلی کشورها که زیرمجموعه و ابزار اصلی تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند، همواره به شکل‌های گوناگون، بر نظام منطقه مجاور خود و نیز کلیت نظام بین‌الملل تأثیرگذار بوده‌اند. وقوع انقلاب اسلامی ایران در آخرین سال دهه هفتاد قرن بیستم میلادی شاید آخرین و در عین حال از مهم‌ترین نمونه‌های مهم کلاسیک انقلاب‌هایی بود که تأثیر آن با سرعتی غیر قابل پیش‌بینی از مرزهای ملی فراتر رفت و اثرگذاری‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی داشت. (وفایی‌زاده، ۱۳۹۰)

انقلاب اسلامی در ایران توانست انرژی‌های نهفته در بسیاری از کشورهای اسلامی را فعال کند. به این ترتیب این انقلاب، واکنشی در برابر موج‌های کنترل‌گر کشورهای غربی محسوب می‌شود. به طور کلی نیروهای اجتماعی جهان اسلام از قابلیت مؤثری برای مقابله

با تهدیدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردارند. زمانی که نیروهای غربی در پی محدودسازی موقعیت نیروهای اسلام‌گرا در جهان اسلام بودند، لایه‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهای اسلامی در صدد بازسازی خود برای مقاومت در برابر نیروهای مهاجم غربی برآمدند. این امر موج جدیدی از مقاومت و بیداری اسلامی را در برابر قالب‌های سنتی کشورهای استعمارگر فراهم آورد. (عمرانی درگاهی، ۱۳۸۱)

بیداری اسلامی در جهان اسلام توانست معادله بازی سیاسی در کشورهای اسلامی را تغییر دهد. نقطه ظهور چنین فرایندی بر اساس تحولات ایران ارزیابی می‌شود؛ به عبارت دیگر، این انقلاب اسلامی در ایران بود که راهی جدید را برای مبارزه با استعمارگران شرق و غرب به کشورهای اسلامی نشان داد. در شرایط جدید، کنش‌های سیاسی مختلفی در کشورهای اسلامی نشان داده می‌شود. به این ترتیب، رفتار گروه‌ها و جنبش‌های اسلام‌گرا در جهان اسلام، معنا و حقیقت جدیدی در سیاست جهان اسلام ارایه کرده است و نیز قالب‌های گفتمانی اسلام‌گرایی، منجر به فعال شدن نیروهای اسلامی گردیده است. (متقی، ۱۳۸۷)

بر این اساس تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌المللی و جریان‌های فکری معاصر در جهان را در سه سطح متفاوت می‌توان بررسی کرد؛ سطح منطقه‌ای، جهان اسلام و سطح بین‌المللی.



نمودار شماره ۲: زمینه‌ها و بسترهای تأثیر انقلاب اسلامی



۱/۵. سطح منطقه‌ای

انقلاب اسلامی ایران بیشترین تأثیر خود را در این سطح که کشورهای مجاور و همسایگان را دربرمی‌گیرد، بر جای گذاشته است. امواج ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سرعت در پایتخت‌های کشورهای همسایه و سایر نقاط شهری و حتی روستاهایی از این کشورها انعکاس یافت، به طوری که بسیاری از روشنفکران و توده مردم در این کشورها، این تحول عظیم را به فال نیک گرفتند و آن را منشأ تغییرهای مثبت و عمیقی در منطقه دانستند. در مقابل، بیشتر دولت‌های منطقه با نگرانی و دغدغه رو به تزایدی به وقوع انقلاب اسلامی در ایران می‌نگریستند. در این زمینه، سیاست قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و کشورهای غربی در دامن زدن به نگرانی‌ها و تردیدهای دول منطقه و نیز سوءاستفاده از این نگرانی‌ها و فروش میلیاردری اسلحه و مهمات به این کشورها، مهم و قابل مطالعه است. (درخشه، ۱۳۸۷؛ برزگر، ۱۳۹۱؛ محمدی، ۱۳۸۵)

۲/۵. سطح جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران شاید بیشترین و عمیق‌ترین بازتاب و تأثیر را در سطح دوم یعنی جهان اسلام داشت. منظور از جهان اسلام، همه کشورهای مسلمان مجاور و همسایه ایران، جنوب و شرق آسیا، خاور میانه عربی، شمال آفریقا و حتی جوامع اسلامی در اروپای غربی و آمریکای شمالی است. به اعتراف بسیاری از نویسندگان و روشنفکران، انقلاب اسلامی ایران تأثیرهای مهم و تعیین‌کننده‌ای در سراسر قلمرو و گستره جهان اسلام بر جای گذارد. (درخشه، ۱۳۸۷)

۳/۵. سطح بین‌المللی

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سطح جهان و نظام بین‌الملل را نیز می‌توان در چارچوب دستاوردهای درازمدت و کلان انقلاب مطالعه کرد. به چالش کشیدن وضع موجود در نظام بین‌الملل که به نفع قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر و به ضرر کشورهای کوچک و ضعیف چیده شده، مهم‌ترین رویارویی ایران با حامیان وضع موجود است که آمریکا در صدر آنان قرار

دارد. اعتراض ایران به حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل، به چالش کشیدن روابط اقتصادی غیر عادلانه میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه و یک‌سویه دانستن روابط فرهنگی میان شمال و جنوب، از نمونه‌های بارز تقابل و مواجهه میان اصول بنیادین انقلاب اسلامی و شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. (درخشه، ۱۳۸۷)

۶- دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل با مدیریت جمهوری اسلامی است که در وضعیت کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و به شکل نظریه‌ای سیاسی سامان یافته است. از آنجا که انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی بود، توجه ملت‌ها را بیش از دولت‌ها به خود جلب کرده و بر آنها تأثیر گذاشته؛ زیرا بیشتر دولت‌های حاکمه، به رژیم شاهنشاهی شباهت دارند. بر این اساس، تأثیرپذیری ملت‌ها بیش از دولت‌ها بوده. ملت‌ها به روشنی دریافته‌اند که یگانه‌راه آزادی از یوغ استعمار و استبداد، قیام و انقلاب است. (محمدی، ۱۳۸۵) تنوریزه شدن این نهضت فکری، مرحله فرمولیته‌ای را پشت سر گذاشته و به مثابه مدلی سیاسی رخ نموده، به طوری که نسبت به گذشته، اوضاع متحول شده است. وضعیت معادلات منطقه در حرکت رو به پیش خود، همسو با مصالح اسلام و به زیان غرب در حال رقم خوردن است. این موج فزاینده، درصدد شکستن موانع نهضتی غرب برای رسیدن به جامعه‌ای دین‌محور است. (حلی، ۱۳۸۸)

فرایند شکل‌گیری جنبش‌هایی که در آنها اقبال و توجه و گرایش به معنویت و در رأس آن، دین به وضوح جلوه‌گر باشد، در سال‌های اخیر روند رو به رشدی داشته است. تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، این حرکت‌ها و جنبش‌ها به ویژه با ماهیت مذهبی، یا وجود نداشتند و یا فعالیت آنها چشمگیر نبود و معمولاً سیاست انفعالی در قبال دولت‌های حاکم داشتند. (محمدی، ۱۳۷۷) در عمل نیز دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الملل حمایتی از این جنبش‌ها و نهضت‌ها نمی‌کردند؛ زیرا این حرکات برخلاف صلح و امنیت بین‌المللی مورد



نظر ابرقدرت‌ها و منافع آنها تلقی می‌شد و اگر حمایتی نیز از سوی قدرت‌های بزرگ به عمل می‌آمد، در راستای منافع خودشان بود. با وقوع انقلاب اسلامی، دولت ایران، به دلیل خصلت دینی و ماهیت مکتبیش، سعی در حمایت و برقراری ارتباط با آنها نمود؛ ارتباطی که در فرایند آن، انقلاب اسلامی تجربیات مبارزاتی را همراه با اندیشه و باورهای انقلابی و دینی خویش به نهضت‌های اسلامی و رهایی‌بخش انتقال داد و زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان را فراهم ساخت و روند جدیدی را در مسیر حرکت نهضت‌های اسلامی ایجاد نمود. (کمالی اردکانی، ۱۳۸۶؛ ستوده، ۱۳۸۵)

مقایسه اوضاع اجتماعی - سیاسی کنونی کشورهای اسلامی با وضعیت آنان در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، حکایت از تغییری آشکار در بسیاری از آنها دارد. اهمیت این امر در خاور میانه و خلیج فارس به دلیل موقعیت مهم جغرافیایی، وجود منابع غنی انرژی و اهمیت مسئله فلسطین، دوچندان می‌شود.

۷. ابزارهای تأثیرگذاری

نخستین بار در تاریخ مدرن، پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس ارزش‌ها و معیارهای اسلامی، گفتمان اسلام سیاسی را در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل مطرح نمود که خواهان بخش یا تمام قدرت سیاسی است. این گفتمان در دنیای لائیسیم و سکولاریسم مطرح می‌گردد که دین را نه تنها جدا از سیاست می‌دانست و به گفته مارکس، افیون ملت‌ها تلقی می‌شد، بلکه طرفداران آن مدعی بودند دوره آن گذشته و به تاریخ تعلق دارد و چیزی برای ارابه به دنیای مدرن ندارد. گفتمان اسلام سیاسی دریچه‌ای جدید به روی اندیشمندان و صاحب‌نظران سیاست باز نمود که دین اسلام می‌تواند سیاسی باشد و حرف‌های تازه‌ای برای ارابه به جهان مدرن امروز دارد که با گفتمان موجود در تقابل و تضاد است. (ملکوتیان، ۱۳۸۲)

بیداری منتج از انرژی آزادشده انقلاب اسلامی که برای اولین بار در شکل نظامی سیاسی ظاهر شد، به زودی به حوزه مدیریت سیاسی و دیپلماتیک وارد شد و سایر نظام‌های سیاسی جهان اسلام را متأثر کرد. در شرایط کنونی، حضور قدرتمند حرکت بیداری اسلامی با محوریت نظام جمهوری اسلامی ایران و کارکرد آن در شکل مردم‌سالاری دینی و تحت

مدیریت جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی و مقاومت، معادلات قدرت در روابط بین‌الملل را تغییر داده و در حال سامان‌دادن معادله جدیدی است که معارض با معادلات تعریف‌شده لیبرال دموکراسی با محوریت غرب است. (علیزاده، ۱۳۹۳؛ شیرودی، ۱۳۸۳)

این وضعیت، قدرت‌های بزرگ و مدعی هژمون جهان را به وحشت انداخته است، به طوری که تمام امکانات خود را بسیج کرده‌اند تا از تکمیل سیکل معادله جدید قدرت در منطقه با مدیریت اسلام سیاسی و به هدایت‌گری ایران جلوگیری کنند؛ زیرا بیداری اسلامی را که هم‌اکنون در چهره جنبش‌های مقاومت در لبنان، فلسطین و عراق با قدرت رخ نموده است، بزرگ‌ترین چالش برای مدیریت سیاسی و دیپلماتیک غرب به محوریت آمریکا و جدی‌ترین تهدید برای مبانی و پایه‌های لیبرال دموکراسی می‌دانند. از این رو، آن را بزرگ‌ترین هدف سیاست‌های خصمانه غرب در شرایط فعلی می‌شمارند. مردم کشورهای جهان را در تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:



جدول شماره ۱: تقسیم‌بندی کشورها بر اساس تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی

گروه اول: کشورهای چوچون لبنان، افغانستان و بحرین که تأثیرگزاری انقلاب در آنجا

زیاد و مشهود بوده است.

گروه دوم: کشورهای چوچون مصر، تونس نیجریه، پاکستان و فیلیپین که در آنجا انقلاب

اسلامی روند گرایش به اسلام را تشدید کرده است.

گروه سوم: کشورهایی چون مالزی و اندونزی که تأثیرپذیری آنها از انقلاب سطحی بوده و می‌توان گفت از کنار این حادثه عظیم با بی‌طرفی گذر کرده‌اند.

گروه چهارم: کشورهایی چون عراق و عربستان سعودی که تحولات ایران، آنها را نگران بر هم خوردن امنیت داخلی‌شان کرد و به اقدامات پیشگیرانه واداشت.

نتیجه‌گیری

هرچند قیام‌های منطقه متأثر از تحولات داخلی و برخی مؤلفه‌های جهانی بود، اما همان‌گونه که بسیاری از ناظران سیاسی باور دارند، نقش و جایگاه انقلاب اسلامی ایران و الگوهای آن، نقشی غیر قابل انکار در بیداری ملت‌های منطقه است؛ الگویی که تکیه بر ملت و دوری از الگوهای غربی را نه تنها به کشورهای منطقه، بلکه به سراسر جهان ارایه کرده و تبلور آن را در تقویت جبهه آزادی‌خواهان جهان می‌توان دید.

بیداری اسلامی یا خیزش اسلامی، پدیده عظیم و فراگیری است که حدود دو قرن از پیدایش آن می‌گذرد. در این دو قرن فراز و نشیب‌های فراوانی فراروی این حرکت بوده و با ضعف و قوت‌هایی همراه شده است. اگر دنیای استکبار توانست پس از چند سده، تمام علوم مورد نیاز خود برای ساخت جامعه و تمدن مادی را تولید کند، جامعه اسلامی هم باید بتواند علوم مبتنی بر ارزش‌های بومی و دینی خود را تولید کند و عرصه جهانی را به تسخیر فرهنگ و اندیشه‌های ناب اسلامی درآورد.

حرکت بیداری اسلامی علیه منافع استکباری شرق و غرب ایستادگی می‌کند و دشمنان مستکبر جهانی از آن احساس خطر می‌کنند و با افزایش فشارهای سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی در تلاش‌اند از گسترش و تعمیق این آگاهی و بیداری اسلامی اصیل و ریشه‌دار جلوگیری نمایند. روشن است که منافع استعماری غرب و شرق با بیداری اسلامی در جهان اسلام به خطر افتاده و آنها هر جا نسبت به منافع استعماری خود احساس خطر کنند، مستقیم یا نیابتی، عملیات نظامی و تخریبی انجام می‌دهند. بنابراین رفتارهای غیر انسانی برخی از حکومت‌های متزلزل در جهان اسلام و سکوت اربابان غربی و شرقی آنها، فقط با این نگاه قابل تفسیر است.

مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی و همچنین مبارزه با استبداد داخلی از مهم‌ترین راهکارهای عملی گسترش بیداری اسلامی به شمار می‌رود. بی‌تردید احیای بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی ایران معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرد و از مرحله نظر



به عمل و واقعیت رسید. اگرچه از حدود یک قرن پیش اندیشمندانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی در جهان اسلام ظهور کردند و ندای بازگشت به اسلام و رویارویی با فرهنگ غرب را سر دادند و در این مسیر نهضت‌ها و گروه‌هایی نیز شکل گرفت، پیروزی انقلاب اسلامی به همه مسلمانان ثابت کرد که بازگشت به اسلام، خیال نیست و می‌تواند واقعیت داشته باشد.

تأثیر انقلاب اسلامی بر همه جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده، میزان آن با توجه به قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی متفاوت است. با این حال در تقابل جریان‌های فکری، اجتماعی و سیاسی با دولت‌های عربی، ابتدا دولت غالب بوده و با وجود کاهش مشروعیت، توانسته قدرت قهرآمیز و حمایت کافی را برای غلبه بر تهدید این جنبش‌های سیاسی و فکری اسلام‌گرا فراهم آورد. دستگاه دولت که با ارتش و تکنولوژی مدرن تقویت می‌شود، نیروی برتر باقی مانده و از حمایت ضمنی و غالباً آکراه‌آمیز نیروهای غیر مذهبی، اقلیت‌ها و بورژوازی که از هرج و مرج و یا چشم‌انداز پیروزی اسلام‌گرایان می‌ترسند، برخوردار بودند. با این همه، به دلیل مشکلات فزاینده اجتماعی و اقتصادی این کشورها که ناشی از حکومت‌داری نادرست، اقتصاد رو به زوال، مدیریت ناصحیح منابع موجود بود و با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران، اولین رستاخیز اسلامی از تونس شروع شد و در ادامه، دامان سایر کشورهای عربی از جمله مصر را نیز گرفت. این نهضت‌ها و جنبش‌ها را اگرچه نمی‌توان انقلاب اسلام‌گرای توده‌ای نامید، ولی در رده بیداری اسلامی قرار می‌گیرند که با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ آغاز شد و در تونس، مصر، یمن، لیبی و بحرین ادامه پیدا کرد.

بیداری اسلامی، در حقیقت پاسخ به مشکلات روحی، دینی، اجتماعی و سیاسی حاد قلمداد می‌شود که پیوسته در جامعه بروز می‌کند؛ زیرا هرگاه نارضایتی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه در راستای حفظ آن و همچنین نظم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای کسانی به وجود بیاید، دین می‌تواند عامل نیرومندی برای سوق دادن اندیشه‌های انسانی به سوی انقلاب و جنبش‌های اجتماعی باشد. جنبش‌های اجتماعی در

جهان اسلام نوعی بیداری اسلامی اند که ریشه در دین دارد و در ابعاد مختلف متأثر از انقلاب اسلامی ایران می‌باشند که می‌توان به مفروضات زیر اشاره کرد:

۱. انقلاب اسلامی ایران، اندیشه تلاش برای تحقق برابری و عدالت اجتماعی را در میان مردم جهان شدت بخشید و واکنش مسلمانان در برابر غرب و غرب‌زدگی را توسعه داد.
۲. انقلاب اسلامی ایران باعث بازسازی هویت اسلامی در دنیا شد.
۳. انقلاب اسلامی احیای تمدن اسلامی در دنیا را به دنبال داشت که بیداری اسلامی در همین راستا است.
۴. تجدید حیات اسلام و مطرح شدن اسلام انقلابی از دیگر تأثیرهای انقلاب اسلامی بود. بیداری اسلامی یکی از نشانه‌های تجدید حیات اسلام می‌باشد.
۵. بیداری اسلامی اگرچه قدمتی طولانی دارد، ولی انقلاب اسلامی در گسترش و تعمیق آن نقش تعیین‌کننده داشته است.
۶. اثرگذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی از جهات مختلف تأیید می‌شود.



منابع

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ش.
۲. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام خمینی، تهران، نشر عروج، ۱۳۸۵ش.
۳. جندی، انور، اسلام و جهان معاصر، ترجمه حمیدرضا آذیر، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش.
۴. الویری، محسن، بیداری اسلامی از باورها تا نهادها، در بیداری اسلامی چشم‌انداز آینده و هدایت آن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۵. باقرزاده، محمدرضا، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، مجله معرفت، شماره ۶۸، ۱۳۸۹ش.
۶. بسر، آستون، دین و چشم‌اندازهای نو، ترجمه غلامحسین توکلی، قم، انتشارات بوستان کتاب قم، ۱۳۷۶ش.
۷. برزگر، ابراهیم، نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۸. جعفریان، رسول، مقالات تاریخی، قم، الهادی، ۱۳۷۸ش.
۹. جمشیدی، محمدحسین، ارتباط متقابل انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم، نشر معارف، ۱۳۷۴ش.
۱۰. حسینی بهشتی، محمد، ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران، تهران، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۱۱. حسینی فائق، محمد مهدی، بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱ش.
۱۲. حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۸ش.
۱۳. خرمداد، محمدباقر، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی، فصلنامه راهبرد فرهنگی، دوره ۶، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۲ش.
۱۴. دهرکردی، حسین، انتفاضه فلسطین، مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۴، ۱۳۹۰ش.
۱۵. درخشه، جلال، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
۱۶. رجیبی، صادق، سیاست‌های استکباری آمریکا در منطقه خاور میانه، فصلنامه وزین، شماره ۴۳، ۱۳۸۹ش.
۱۷. رویوران، حسین، تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های فلسطینی، مجموعه مقالات همایش بررسی تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۵ش.
۱۸. سعادت‌مند، رسول، معارف و هدایت‌ها در کلام امام خمینی (ره)، قم، انتشارات تسنیم، ۱۳۸۵ش.
۱۹. صدرالحسینی، رضا، انقلاب اسلامی؛ ظهور بیداری اسلامی یا مدیریتی خارج از منطقه، فصلنامه حبل‌المتین، دوره اول، پیش شماره اول، بهار ۱۳۹۱ش.
۲۰. فراتی، عبدالوهاب، رهیافتی بر علم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۲۱. علیزاده، غلام، نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری مسلمانان، مجله آینده روشن، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۳ش.
۲۲. عمرانی درگاهی، علی، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در جهان، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه، ۱۳۸۱ش.
۲۳. عبیوضی، محمدرحیم، رشد مبانی فکری و تحول فرهنگ سیاسی در انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸ش.
۲۴. قطب، محمد، بیداری اسلامی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴ش.
۲۵. کچویان، حسین، انقلاب کبیر اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام، باشگاه اندیشه، ۱۳۸۹ش.

۲۶. کوشکی، محمدصادق، بازشناسی هویت انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۷۸ش.
۲۷. گی‌روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸ش.
۲۸. کمالی اردکانی، علی‌اکبر، انقلاب اسلامی و تعالی‌گفتمان سیاسی شیعه، دو فصلنامه دانش سیاسی، ۱۳۸۶ش.
۲۹. سلیمانی‌زاده، داود، انقلاب اسلامی و احیای هویت دینی شیعیان لبنان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۳۰. سخاوتی، نصرالله، انقلاب اسلامی؛ آذرخشی از عاشورای حسینی، فصلنامه معرفت، شماره ۹۸، ۱۳۸۴ش.
۳۱. ستوده، محمد، انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ش.
۳۲. شیرودی، مرتضی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۰، ۱۳۸۳ش.
۳۳. محمدی، مجید، دین، اینجا، اکنون، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷ش.
۳۴. محمدی منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵ش.
۳۵. متقی، ابراهیم، رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۳۶. ملکوتیان، مصطفی، تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱، ۱۳۸۲ش.
۳۷. مقتدری، احمد، انقلاب اسلامی، پیامدها و بازتاب‌ها، ماهنامه بصائر، سال اول، ش ۴ و ۵، دی و بهمن ۱۳۷۳ش.
۳۸. نوازی، بهرام، صدور انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۳۹. وفایی‌زاده، محمداقاسم، موج سوم بیداری اسلامی و توطئه غرب؛ تنش‌های منطقه‌ای و رادیکالیسم، تهران، مجمع بیداری اسلامی، ۱۳۹۰ش.



انقلاب اسلامی ایران و امت اسلامی

محسن محمدی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، پدیده‌ای فراملی و با هویتی دینی و اسلامی بود که توانست در خط مقدم مبارزه با استعمار و استکبار قرار گیرد و مسلمانان را به تشکیل جامعه‌ای کلان بر اساس هویت اسلامی - و نه قومی و نژادی - تشویق کند. بنابراین می‌توان انقلاب اسلامی را داعیه‌دار ایجاد امت اسلامی در قرن حاضر دانست.

مهم‌ترین بروز تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر ایجاد و تقویت امت اسلامی در جریان بیداری اسلامی است که هویت‌طلبی اسلامی مسلمانان را برای دستیابی به عزت تمدنی برانگیخته است و این همان مسیری است که انقلاب اسلامی پیموده و تجربه عملی آن را در اختیار سایر مسلمانان قرار داده است. بنابراین امت‌سازی انقلاب اسلامی ایران در فرایند بیداری اسلامی، هم در صحنه عملی که به کار بست اسلام در نظام سیاسی مربوط می‌شود، و هم در مبانی فکری و عقیدتی قابل توجه است. روحیه‌بخشی، امیدآفرینی و ایجاد اعتماد به نفس از دیگر آثار انقلاب اسلامی در میان مبارزان و مجاهدان مسلمان است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، امت اسلامی، بیداری اسلامی، امام خمینی.



۱. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.

اسلام با تأکید بر ساختار امت، اتحاد علوم بشری با اهداف الهی و بازسازی رابطه جهان اسلام و غرب در پی گشودن چشم اندازهای نوینی در عرصه نظریه پردازی روابط بین الملل است (ر.ک مسعودی، ۶۸؛ مشیرزاده، و ابراهیمی، ۱۳۸۹) که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در این عرصه است. از این رو، برخی اندیشمندان، وقوع انقلاب ایران را در کنار ورود آموزه های اسلامی مانند جهاد، امت، شریعت و عدالت، نشان دهنده این می دانند که اسلام سیاسی به یکی از وزنه های سیاست جهانی تبدیل خواهد شد. (Giorgio Shani، ۲۰۰۸)

انقلاب اسلامی ایران بر اساس اهداف و شعارهای دینی محقق شد و اهداف و برنامه های خود را بر اساس مرزهای ملی و نظام های قومی قرار نداد و با دیدی فراملی و بر اساس هویت و تمدن اسلامی، کلیتی از جهان اسلام را مقابل جهان غرب و استعمار ترسیم کرد و توانست در خط مقدم مبارزه با دشمنان امت اسلامی قرار گیرد تا مبارزان سایر کشورهای اسلامی نیز وارد این صف شوند. با این تعریف از مبارزه، همه مسلمانان در صف بندی هویتی واحدی با دغدغه ها، اولویت ها، ظرفیت ها و دشمنان یکسان قرار می گیرند و به تشکیل جامعه ای با مرزهایی بر اساس هویت دینی بدون تشخیص ها و محدودیت های ملی، نژادی و قومی فراخوانده می شوند. این رویکرد به نهضت و انقلاب، چشم اندازی زیبا از امت اسلامی را نشان می دهد.

امروزه این تأثیرگذاری در قالب بیداری اسلامی متجلی شده است. انقلاب اسلامی ایران از مهم ترین علل و الگوهای بیداری اسلامی است که با قرآنی فراگیر از اسلام سعی دارد آن را به قدرت و عاملی مؤثر در عرصه بین الملل تبدیل کند.

این مقاله، ابتدا در صدد پاسخ به این پرسش است که نظریه امت اسلامی در انقلاب اسلامی چه جایگاهی دارد و چگونه محقق می شود. به این منظور ابتدا حیطه و عملکرد انقلاب اسلامی در عرصه بین الملل تبیین می شود؛ چراکه امت اسلامی در حیطه بین الملل انقلاب اسلامی است و ورود انقلاب به این عرصه را باید در مبانی انقلاب تبیین کرد. در بخش دیگر، جایگاه بیداری اسلامی در تحقق نظریه انقلاب اسلامی در امت اسلامی